

درجه‌بندی تعزیرات: از نوآوری تا بازاندیشی

حمید بهره‌مند*

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۶/۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۷/۱۴

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که آثار مثبتی در نظام تقنینی به دنبال داشته است، ایجاد نظام درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری است. از جمله این آثار مثبت می‌توان به آسان‌تر شدن اعمال اصل تناسب میان جرایم و مجازات‌ها، هماهنگ‌سازی پاسخ‌های کیفری و تسهیل پیاده‌سازی سیاست فردی کردن مجازات‌ها اشاره کرد. در کنار این محاسن، ایرادهایی نیز در نظام درجه‌بندی مجازات‌ها وجود دارد. این مقاله پس از بررسی اجمالی نظام دسته‌بندی جرایم در قوانین برخی کشورها و مطالعه تاریخیچه این موضوع در نظام قانونگذاری ایران، با روش تحلیل محتوا، محاسن و ایرادهای نظام قانونگذاری در این رابطه را بررسی کرده و پیشنهادهایی برای رفع آنها ارائه می‌کند. ایرادهایی عبارت‌اند از جامع و مانع نبودن درجات تعزیر، ابهام در تشخیص درجه برخی از جرایم، غیرمنطقی و خلاف قانون بودن ملاک تعیین تعزیر در رویه قضایی، روشن نبودن ملاک تعیین مجازات‌ها، میان جرایم متعدد دارای مجازات‌های متعدد، نامتوازن بودن فواصل میان حداقل و حداکثر مجازات‌های داخل در یک درجه، نامتوازن بودن مجازات‌های داخل در یک درجه و عدم کاربرد یا استفاده نادرست از نظام درجه‌بندی تعزیرات در قوانین دیگر. راهکارهای ارائه‌شده نیز عبارت‌اند از پیشنهاد احصای تمامی مصادیق تعزیر در ماده (۱۹)، و خارج کردن مجازات‌های غیرتعزیری از شمول این ماده، تصریح به شمول جزای نقدی نسبی در درجات هشتگانه تعزیر، پیشنهاد اصلاح تبصره «۳» ماده (۱۹)، ارائه فرمولی روشن برای تشخیص مجازات‌ها در جرم واحد و همچنین در جرایم متعدد، پیشنهاد معیاری واحد و متوازن، جهت اصلاح مجازات‌های داخل در یک درجه و استفاده صحیح از نظام درجه‌بندی در سایر قوانین.

کلیدواژه‌ها: تعزیرات؛ نظام درجه‌بندی؛ رویه قضایی؛ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

* استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛

مقدمه

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درجه‌بندی تعزیرات بوده است. این دسته‌بندی تقنینی در ایران فاقد سابقه بوده است، آثار مهمی را در حقوق کیفری عمومی به دنبال داشته و نظام کیفرگذاری ایران را با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو کرده است. طبیعی است هر نوآوری علاوه بر محاسنی که به دنبال دارد، در ابتدای راه با کاستی‌هایی روبه‌روست. مقررات مربوط به درجه‌بندی تعزیرات هم از این قاعده مستثنا نبوده است. از این رو در این مقاله به دنبال آن هستیم تا در کنار برشمردن مزایای این نظام، نواقص آن نیز شناسایی و راهکارهایی جهت رفع آنها پیشنهاد شود. بدین منظور در این مقاله ابتدا با مروری بر حقوق تطبیقی، رویه برخی از کشورها در خصوص دسته‌بندی جرایم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. سپس سوابق تقنینی مربوط به دسته‌بندی مجازات‌ها و پیش‌نویس قانون مجازات اسلامی بررسی خواهد شد. پس از آن کاربردهای مفید این درجه‌بندی معرفی و سپس نواقص این نوع تقنین معرفی و در نهایت راهکارهایی جهت رفع نواقص مذکور ارائه خواهد شد.

۱. درجه‌بندی جرایم در نظام حقوقی سایر کشورها

در قانون مجازات فرانسه^۱ هم با اینکه در ماده (۱-۱۱۱) به تقسیم‌بندی جرایم به جنایات، جنحه‌ها و خلاف‌ها اشاره دارد، لکن مبنای تعیین این جرایم، تقسیم‌بندی مجازات‌هاست که در مواد (۱-۱۳۱، ۳-۱۳۱ و ۱۲-۱۳۱) به سه دسته جنایی^۲، جنحه‌ای^۳ و خلافی^۴ تقسیم شده‌اند (https://www.legifrance.gouv.fr).^۵ این دسته‌بندی از جرایم دارای آثار

1. Code Pénal

2. Des peines Criminelles

3. Des peines Correctionnelles

4. Des peines Contraventionnelles

۵. قانون مجازات فرانسه با مشخصات کتاب‌شناختی زیر به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. لکن مترجمان نسخه‌ای از این قانون را ترجمه کرده‌اند که در آن اصلاحات فراوانی به عمل آمده است. برای مثال در ذکر اقسام مجازات‌های جنایی در ماده (۱-۱۳۱) به حبس جنایی با اعمال شاقه اشاره کرده است، در حالی که اعمال شاقه دیگر در اجرای مجازات‌های حبس کاربردی ندارد؛ معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، مرکز مطالعات توسعه قضایی (۱۳۸۶)، *قانون مجازات فرانسه*، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، چاپ اول، تهران، ←

مختلفی از جمله در صلاحیت محاکم فرانسه (ماده ۶-۱۱۳) تمایز میان جرایم عمدی و غیر عمدی (ماده ۳-۱۲۱) تمایز میان شروع به جنایات و جنحه‌ها و لزوم تصریح به مورد دوم در قانون (ماده ۴-۱۲۱) جایگزینی حبس جنحه‌ای با محکومیت به یک دوره آموزش شهروندی (ماده ۱-۵-۱۳۱) تمایز حکم تکرار در جرایم جنایی و جنحه‌ای مختلف (مواد ۸-۱۳۲ و ۱۰-۱۳۲) و ... است.

در قانون مجازات آلمان^۱ جرایم به دو دسته جنایت^۲ و جنحه^۳ تقسیم شده‌اند. جنایت رفتار مجرمانه‌ای است که حداقل با مجازات یک سال حبس قابل مجازات باشد و جنحه رفتار مجرمانه‌ای است که با حبسی کمتر از آن یا جزای نقدی قابل مجازات باشد (ماده ۱۲ قانون جزای آلمان^۴) مطابق همین مقررات تشدید یا تخفیف مجازاتی که مطابق قواعد بخش عمومی یا در شرایط خاص تعیین می‌شود، در تعیین درجه جرایم تأثیری ندارد. در کنار این دو دسته از جرایم، دسته سومی نیز وجود دارد که از دسته‌بندی فرانسوی جرایم اقتباس شده و تخلف^۵ نامیده می‌شود. اما این رفتارها دیگر به‌عنوان جرایم کیفری در نظر گرفته نمی‌شوند و تحت شمول قوانین خاص خود قرار دارند؛ هرچند از این جهت که در قوانین مربوط به تخلفات، قواعد عمومی، ذکر نشده است، قواعد عمومی قانون مجازات آلمان در خصوص آنها اعمال می‌شود (Bohlander, 2009: 27).^۶ مهم‌ترین تمایز میان جنحه و جنایت در قابل مجازات بودن شروع به تمامی جنایات و قابل مجازات نبودن شروع به جنحه‌ها جز در موارد مصرح در قانون است (Ibid.: 28).

در نظام حقوقی ایالات متحده، در ایالات مختلف جرایم معمولاً در سه درجه

→ انتشارات سلسبیل. برای دسترسی به متن انگلیسی قانون مجازات فرانسه، ر.ک.: <https://www.legifrance.gouv.fr>.

۱. برای دسترسی به متن کامل انگلیسی قانون مجازات آلمان، ر.ک.: <https://www.gesetze-im-internet.de>.

2. Verbrechen

3. Vergehen

4. StGB (Strafgesetzbuch)

5. Ordnungswidrigkeiten

۶. لازم به ذکر است اثر فوق با مشخصات کتاب‌شناختی زیر به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. لکن مترجم در

انتخاب معادل‌های فارسی از واژگان مرسوم در ادبیات حقوقی ایران استفاده نکرده و برای مثال به‌جای شروع به جرم

از عبارت غیر حقوقی «مبادرت به ارتکاب جرم» استفاده کرده است: (بوهلاندر مایکل (۱۳۹۰)، مبانی حقوق کیفری

آلمان، ترجمه اصلی عباسی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

جنایت،^۱ جنحه^۲ و خلاف^۳ طبقه‌بندی می‌شوند. این طبقه‌بندی در نظام حقوقی فدرال این کشور نیز وجود دارد. مطابق بند «الف» ماده (۳۵۵۹) از عنوان هجدهم قوانین ایالات متحده^۴، در صورتی که جرم به‌طور خاص در دسته خاصی قرار داده نشده باشد با توجه به حداکثر حبس مقرر به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱. حبس ابد یا در صورتی که مجازات، اعدام باشد: جنایت درجه الف،
۲. بیست و پنج سال یا بیشتر: جنایت درجه ب،
۳. ده سال و بیشتر تا بیست و پنج سال: جنایت درجه پ،
۴. پنج سال و بیشتر تا کمتر از ده سال: جنایت درجه ت،
۵. بیش از یک سال تا پنج سال: جنایت ث،
۶. بیش از شش ماه تا یک سال: جنحه درجه الف،
۷. بیش از سی روز تا شش ماه: جنحه درجه ب،
۸. بیش از پنج روز تا سی روز: جنحه درجه پ،
۹. پنج روز یا کمتر یا اینکه مجازات حبس پیش‌بینی نشده باشد: خلاف.

در جرایم خلافی دادگاه با حضور هیئت منصفه تشکیل نمی‌شود، متهم می‌تواند از وکیل استفاده کند ولی دولت به موجب قانون اساسی مکلف نیست برای او وکیل تعیین کند. در این جرایم دادستان به نمایندگی از دولت در دادرسی حضور نمی‌یابد. نمونه بارز این نوع جرم، تخلفات راهنمایی و رانندگی است. جرایم جنحه‌ای در اکثر ایالات متضمن حبس تا یک سال است. مجازات این جرایم می‌تواند شامل جزای نقدی، تعلیق مراقبتی، خدمات عمومی و جبران خسارت باشد. اشخاصی که متهم به جرایم جنحه‌ای می‌شوند غالباً این حق را دارند که در دادگاهی با حضور هیئت منصفه محاکمه شوند. اشخاص نیازمندی که به این دسته از جرایم متهم شده‌اند معمولاً حق دارند وکیلی با هزینه دولت داشته باشند. جرایم جنایی از شدیدترین جرایم هستند که غالباً متضمن صدمه فیزیکی

1. Felony
2. Misdemeanor
3. Infraction
4. U.S. Code: Title 18

برای دسترسی به متن کامل این عنوان قانونی، ر.ک.: <https://www.law.cornell.edu>.

شدید یا تهدید صدمه به بزه‌دیدگان است. البته این جرایم ممکن است شامل جرایم یقه‌سفیدها هم باشد. جرایم جنحه‌ای می‌توانند در مورد مرتکبان تکرار به جرایم جنایی تبدیل شوند. محکومیت‌های جنایی ممکن است مانند محکومیت‌های جنحه‌ای متضمن حبس نباشند، اما ممکن است مشتمل بر حبسی از یک سال تا حبس ابد بدون آزادی مشروط^۱ و حتی مجازات اعدام باشند. در کنار این درجات، نظامی در ایالات متحده وجود دارد که یک جرم ممکن است بسته به نظر دادگاه جنحه یا جنایت محسوب شود. این مورد زمانی اتفاق می‌افتد که قانون به قاضی اجازه داده باشد که مجرم را به جنحه یا جنایت محکوم کند. این جرایم، متغیر^۲ نامیده می‌شوند (<http://www.nolo.com>).

۲. سوابق تقنینی در حوزه درجه‌بندی جرایم

برخلاف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مجازات‌ها به‌طور کلی به چهار دسته و تعزیرات هم برحسب شدت مجازات‌ها، درجه‌بندی شده‌اند، در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جرایم با توجه به شدت مجازات‌ها به چهار دسته جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک (تقصیر) و خلاف تقسیم‌بندی شده بودند (ماده (۷) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴).^۳ این دسته‌بندی در سال ۱۳۵۲ به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف محدود شد (ماده (۷) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲).^۴ همان‌طور که ملاحظه می‌شود با اینکه

۱. لازم به ذکر است در سال‌های اخیر آزادی مشروط در نظام تقنینی فدرال ایالات متحده لغو شده است و در بسیاری از ایالات محدود گردیده است (Scheb and Scheb, 2011: 635).

2. Wobbler

۳. مطابق مواد (۸ تا ۱۱) این قانون، جنایت شامل: اعدام، حبس مؤبد با اعمال شاقه، حبس موقت با اعمال شاقه، حبس مجرد، تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی بود. همچنین جنحه مهم مشتمل بر مجازات‌های حبس تأدیبی بیش از یک ماه، اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین، محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی و غرامت به‌عنوان مجازات اصلی بود. جنحه کوچک هم شامل حبس تأدیبی بیش از یک هفته تا یک ماه و غرامت از پنج تومان و یک قران الی پنجاه تومان بود. در نهایت خلاف مستلزم حبس تک‌دیری از بیست و چهار ساعت تا یک هفته و غرامت تا پنج تومان بود.

۴. مطابق مواد (۸، ۹ و ۱۲) این قانون، مجازات‌های اصلی جنایت شامل اعدام، حبس دائم، حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ۱۵ سال و حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ۱۰ سال بود. جنحه مشتمل بر مجازات‌های حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا بود و مجازات خلاف، جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال بود.

قانونگذار جرایم را دسته‌بندی کرده بود، اما ملاک دسته‌بندی شدت مجازات‌ها بوده است. طبیعی بود که با تصویب قوانین جزایی بر مبنای مقررات شرعی این دسته‌بندی کاربرد اصلی خود را از دست بدهد و دسته‌بندی جدیدی ارائه شود. البته تا سال‌ها پس از تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ که مجازات‌ها را به چهار قسم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم‌بندی کرده بود،^۱ دسته‌بندی جرایم به جنایت، جنحه و خلاف، کماکان مورد توجه بود و حقوقدانان برای اعمال برخی از مقررات مانند مقررات مربوط به تعلیق تعقیب ملاک‌هایی را برای شناسایی نوع جرم ارائه می‌کردند (خالقی، ۱۳۸۷: ۳۹).

لازم به ذکر است تهیه‌کنندگان متن پیش‌نویس لایحه مجازات اسلامی، علاوه بر حفظ مجازات‌های بازدارنده به عنوان قسم پنجم از مجازات‌ها (ماده ۱-۱۲۱) و تعریف آن در کنار مجازات‌های تعزیری (۷-۱۲۱)، جرایم را از حیث شدت و ضعف به سه دسته جنایات یا جرایم بزرگ، جنحه یا جرایم متوسط و خلاف یا جرایم کوچک تقسیم‌بندی کرده بودند (ماده ۱-۱۲۲).^۲

۱. لازم به ذکر است قانونگذار در سال ۱۳۶۸ با تصویب «قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو شعب دیوان عالی کشور» قسم پنجمی را به عنوان مجازات‌های بازدارنده به تقسیم‌بندی چهارگانه افزود. این قسم جدید در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز ابقا شد و در کتاب پنجم این قانون که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید، در عنوان این کتاب قرار گرفت. با توجه به ایرادهای نظری و عملی افزودن این دسته از مجازات‌ها، قانونگذار با حذف دسته مذکور، دسته دیگری را ذیل مجازات‌های تعزیری با عنوان تعزیر منصوص در شرع افزود و عملاً مجازات‌های تعزیری را به تعزیرات منصوص در شرع و تعزیرات غیرمنصوص تقسیم‌بندی کرد. برای مطالعه درباره تاریخچه این دسته‌بندی به الهام و برهانی (۱۳۹۳: ۴۱) و در خصوص ایرادهای مربوط به مجازات‌های بازدارنده به حسینی (۱۳۸۹: ۱۳۹) و همچنین در خصوص تعزیرات منصوص در شرع به برهانی و نادری‌فرد (۱۳۹۴: ۸۹) مراجعه کنید.

۲. «ماده ۱-۱۲۲: کلیه جرائم از حیث شدت و ضعف مجازات قانونی به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) جنایت یا جرائم بزرگ: شامل جرائمی است که مجازات آنها سلب حیات، قطع عضو، قصاص، حبس ابد، نفی بلد و حبس‌هایی که حداکثر مدت آنها بیش از پنج سال است، انفصال دائم از خدمات دولتی و مؤسسات عمومی و محرومیت دائم از حقوق اجتماعی و مصادره اموال می‌باشد.

ب) جنحه یا جرائم متوسط: شامل جرائمی است که مجازات آنها دیه و ارش، شلاق اعم از حد و تعزیر، تبعید، حبس‌های با حداکثر پنج سال جزای نقدی بیش از ۳۰ میلیون ریال، انفصال موقت از خدمات دولتی و مؤسسات عمومی، محرومیت موقت از حقوق اجتماعی و مجازات‌های اجتماعی می‌باشد.

ج) خلاف یا جرائم کوچک: شامل جرائمی است که مجازات مقرر شده آنها یا پس از تبدیل قانونی تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی است.

تبصره: در صورت تعدد مجازات‌ها ملاک مجازات شدیدتر است و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، ←

ایرادی که به این متن وارد می‌شد آن بود که علاوه بر اینکه از این تقسیم‌بندی در متن لایحه استفاده چندانی نشده بود و به عبارتی این دسته‌بندی منشأ اثری حقوقی خاصی نبود،^۱ متفاوت بودن سنخ مجازات‌های موضوع دسته‌بندی جرایم باعث می‌شد عملاً میان مجازات‌های داخل در یک دسته‌بندی، تناسب و هماهنگی وجود نداشته باشد. به نظر می‌رسد همین عدم تناسب و هماهنگی و متفاوت بودن احکام جرایم موجب حد و قصاص از یک سو و مجازات‌های تعزیری از سوی دیگر باعث شده بود وضع احکام مشترکی برای این دسته‌بندی ممکن نباشد و عملاً دسته‌بندی ارائه شده فایده عملی نداشته باشد.

با توجه به این مشکلات قانونگذار تصمیم گرفت با حذف مجازات‌های بازدارنده و احیای دسته‌بندی مجازات‌های چهارگانه، بدون آنکه جرایم را درجه‌بندی کند، یک قسم از مجازات‌ها یعنی تعزیرات را به ۸ درجه تقسیم و احکام مشترک جرایم مختلف را با توجه به این دسته‌بندی و درجه‌بندی تعیین کند.

۳. محاسن درجه‌بندی جرایم

وضع نظام درجه‌بندی می‌تواند در خصوص جرایم مختلف کمک بسزایی در تنظیم سیاست کیفری کند. از آنجاکه در اتخاذ سیاست‌های تخفیفی و تشدیدیی یکی از عوامل تأثیرگذار شدت جرم ارتكابی است، تعیین درجه اهمیت جرایم از اهمیت بسیاری برخوردار است. همان‌طور که پیش‌تر هم بیان شد در درجه‌بندی شدت جرایم مهم‌ترین معیار، شدت پاسخ کیفری است. به دیگر سخن، هرچه شدت جرم بیشتر باشد، مجازات تعیین شده هم باید شدیدتر باشد و از این رو، چنانچه قانونگذار را در تعیین مجازات‌ها دقیق فرض کنیم، هرچه

→ مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای سه‌گانه این ماده مطابقت نداشته باشد جنحه محسوب می‌شود».

برای دریافت متن کامل لایحه اعلام وصول شده به مجلس شورای اسلامی، ر.ک.: پایگاه سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی زیر: http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/720530

۱. لازم به ذکر است جز مقررات ماده ۱-۱۲۲ که تقسیم‌بندی جرائم به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف را مطرح کرده بود، کلمه «جنایت» در متن لایحه تنها به معنای جرائم علیه تمامیت جسمانی به کار رفته بود (مواد ۴-۱۲۱ و ۵-۱۲۱) و مقررات کتاب دوم و سوم در خصوص قصاص و دیات، کلمه جنحه اصلاً استعمال نشده بود و واژه خلاف تنها در سه بحث شروع به جرم (ماده ۱-۱۳۱)، تعدد و تکرار (ماده ۶-۱۳۴) و معافیت از کیفر (۱-۱۵۲) به کار گرفته شده بود.

شدت مجازات‌ها بیشتر باشد این بدان معناست که جرم مورد نظر هم شدیدتر است. از سوی دیگر، تعیین درجات تعزیر می‌تواند به قانونگذار کمک کند برای جرایمی که شدت آنها در حدی مشابه است مجازات‌هایی از درجات یکسان تعیین کند. شاید فقدان این گونه نظام طبقه‌بندی، باعث شده قانونگذار برای جرایمی که شدت و نوع آسیبشان با هم مشابه است، از مجازات‌های غیرمتناسبی استفاده کند.^۱ با توجه به همین موضوع قانونگذار در وضع برخی از قوانین جدید به جای تعیین میزان مجازات، به درجه آن اشاره کرده است (ماده (۴۹) قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده (۲۷۴) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴ و ماده (۶۱) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵).

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درجات تعزیر، آثار مختلفی را در سامان‌دهی قواعد عام حقوق کیفری گذاشته است. این موارد شامل مجازات‌های تکمیلی و تبعی، تخفیف و تبدیل مجازات، معافیت از مجازات، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط و نظارت از طریق سامانه‌های الکترونیک، مجازات‌های نوجوانان، مرور زمان، توبه، شروع به جرم، معاونت، تعدد و تکرار جرم و مجازات‌های جایگزین حد.^۲ کاربرد نظام درجه‌بندی به شرحی که گذشت می‌تواند از یک سو، باعث شود اصل تناسب جرایم و مجازات‌ها و هماهنگ‌سازی پاسخ‌های کیفری با سهولت بیشتری اجرا شود و از سوی دیگر، موجبات اعمال هرچه صحیح‌تر سیاست فردی کردن مجازات‌ها را فراهم می‌کند.

۱. برای مثال، با اینکه جرائم ارتشا و اخذ پورسانت در معاملات خارجی شباهت‌های زیادی از جهت نوع جرم ارتكابی دارند، قانونگذار در جرم ارتشا مجازات را با توجه به ارزش رشوه درجه‌بندی کند، لکن در جرم اخذ پورسانت بدون توجه به ارزش پورسانت دریافت شده مجازاتی بدون درجه در نظر گرفته شده است. (ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و ماده واحده ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲).

۲. لازم به ذکر است اقدام قانونگذار در تصویب این گونه مقررات و ارجاع به درجات تعزیر، قبل از تصویب نهایی قانون مجازات اسلامی محل تأمل است.

۳. هر چند مجازات‌های حدی مطابق قاعده قابل تبدیل نیستند، لکن در برخی موارد به دلیل عدم اجرای حد، مجازات تعزیری اعمال خواهد شد. نمونه این موارد را می‌توان در انکار پس از اقرار (ماده (۱۷۳) ملاحظه کرد.

۴. ایرادهای نظام درجه‌بندی جرایم

به‌رغم محاسن یادشده برای درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری، این نظام دارای ابهام‌ها و ایرادهایی است که اجرای آن را با اشکالاتی روبه‌رو می‌سازد. این ایرادها بعضاً در تصویب قانون مجازات اسلامی ایجاد شده است و بعضاً در تصویب قوانینی که پس از آن به تصویب رسیده است.

۴-۱. عدم جامعیت درجات تعزیر

اولین ایراد درجه‌بندی تعزیرات آن است که این نظام جامع نیست و تمامی مجازات‌های تعزیری را دربر نمی‌گیرد. توضیح آنکه در قوانین موجود مجازات‌هایی وجود دارد که در درجه‌بندی مجازات‌ها قرار نگرفته است.^۱ برای مثال تعزیر شرعی که در ماده (۲۸) قانون مطبوعات ذکر شده و میزان آن تعیین نشده است، از مواردی است که داخل در درجات تعزیر قرار نگرفته است.^۲ همچنین با توجه به اینکه در مواد (۱۳۴ و ۱۳۷) قانون مجازات اسلامی امکان تشدید مجازات شلاق تا نصف حداکثر مجازات پیش‌بینی شده است، درجه این مجازات تعیین نشده است (توجهی، ۱۳۹۴: ۳۷).^۳ هرچند ممکن است گفته شود ذیل

۱. برخی حقوقدانان، مثال این مورد را انفصال موقت دانسته‌اند (حیدری، ۱۳۹۴: ۹۵). اما باید توجه داشت انفصال موقت یکی از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی است که بسته به مدت آن از درجه ۵ تا ۷ باشد. توضیح آنکه مطابق تبصره «۱» ماده (۱۹) موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی آمده است و محرومیت از استخدام و اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی در بند «ج» ماده (۲۶) ذکر شده است.

۲. لازم به ذکر است، قانونگذار در فصل مجازات‌های جایگزین حبس، تبدیل این نوع مجازات‌ها را به مجازات‌های جایگزین حبس، الزامی دانسته است.

۳. هرچند ممکن است گفته شود، با توجه به قاعده «التعزیر دون الحد» تعیین مجازات شلاق بیش از ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت و بیش از ۷۴ ضربه شلاق در سایر جرائم خلاف شرع تلقی می‌شود، لکن اطلاق دو ماده یادشده، تعیین مجازاتی بیش از حد مذکور را پیش‌بینی کرده است. لازم به ذکر است از عبارت «شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت» که در ماده (۱۹) ذکر شده است، ممنوعیت تعیین مجازات شلاق بیش از تعداد مذکور استنباط نمی‌شود. زیرا این ماده تنها در مقام تعیین درجات تعزیرات موجود در قانون است و به تنهایی نمی‌تواند ناسخ یا محدودکننده مقررات دیگر باشد. لازم به ذکر است، چنانچه قانونگذار در این ماده در مقام تحدید شلاق تعزیری بود، نباید از عبارت‌پردازی فعلی استفاده می‌کرد و تبصره «۳» مصوبه اولیه خود را ابقا می‌کرد. مطابق متن تبصره مذکور «شلاق تعزیری بیشتر از هفتاد و چهار ضربه تا نود و نه ضربه فقط در مورد جرائم منافی عفت ←

تبصره «۳» ماده (۱۹) این مشکل را حل کرده است و تمامی مجازات‌های غیر مذکور در درجات هشت گانه را درجه ۷ تلقی کرده است، این ایراد باقی است که چگونه می‌شود، شلاق تا ۷۴ و ۹۹ ضربه درجه ۶ باشند و شلاق‌هایی با تعداد بالاتر از آن درجه ۷. از این رو، لازم است تمامی مواردی که در حال حاضر در قوانین تعزیری تعیین شده است، احصا و در نظام درجه‌بندی ملاحظه شوند.

اشکال دیگری که در خصوص درجات تعزیر قابل طرح است اینکه برخی اعتقاد دارند، جزای نقدی نسبی داخل در درجات تعزیر نیست. استدلال این اشخاص این است که چون میزان جزای نقدی پس از رسیدگی جرم در دادگاه مشخص می‌شود، داخل بودن این مجازات در درجات باعث می‌شود ایرادهایی در عمل حادث شود. از جمله تعیین درجه جرم ارتكابی برای تعیین دادگاه صالح ضرورت دارد و این امر منافات با این دارد که جزای نقدی نسبی که میزان آن باید در محکمه‌ای که صالح به رسیدگی به جرم است معین شود، درجه‌اش از پیش تعیین شود.

در پاسخ به این ایراد باید گفت ملاک رسیدگی به جرایم در محاکم علی‌الاصول جرمی است که در کیفرخواست ذکر می‌شود. بدیهی است چنانچه دادگاه رسیدگی کننده پس از تعیین میزان دقیق جزای نقدی، جرم را در صلاحیت دادگاه دیگری تشخیص داد، مطابق قواعد حل اختلاف در صلاحیت عمل خواهد کرد. لذا اگر دادگاه کیفری دو ملاحظه کرد، جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، پرونده را به این دادگاه ارجاع خواهد داد و اگر دادگاه کیفری یک ملاحظه کرد، جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، مطابق وحدت ملاک از تبصره «۲» ماده (۳۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری خود به این جرم رسیدگی می‌کند و حکم صادر می‌کند. لازم به ذکر است، چنانچه جزای نقدی نسبی داخل در درجات تعزیر نباشد، مشکلات عدیده‌ای از جهت اعمال قواعد عام ماهوی و شکلی در عمل به وجود خواهد آمد. شایان ذکر است

→ موجب تعزیر، قابل اعمال است». برای مطالعه متن کامل مصوبه اولیه مجلس به مصطفی‌زاده (۱۳۹۲: ۲۸) رجوع کنید. از این رو به نظر می‌رسد اصلاح قانون به نحوی که پیش‌تر به تصویب رسیده بود، ضروری است.

در این خصوص اختلافاتی در رویه قضایی در این خصوص وجود داشت.^۱ این وضعیت تا صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ ادامه داشت. مطابق این رأی جزای نقدی نسبی، تعزیر درجه ۷ محسوب می‌شود. از این رو، جرایمی مانند پولشویی که تنها مجازات آنها جزای نقدی نسبی است مطابق این رأی وحدت رویه جرایم تعزیری درجه ۷ محسوب می‌شود و از این رو، مرتکب این جرم حتی در مواردی که مبلغ عواید ناشی از جرم بیش از یک میلیارد ریال باشد، با اینکه نمی‌تواند از نهادهای ارفاقی‌ای چون تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان برخوردار شود، قاضی می‌تواند مطابق ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی، با اعمال مقررات تخفیف، مجازات او را به جزای نقدی درجه ۸ تبدیل کرده یا مطابق ماده (۳۹) این قانون، حکم به معافیت از مجازات دهد. از این رو ضروری است قانونگذار برای جلوگیری از حصول چنین نتایج نامعقولی خود قانون را اصلاح کند.

۲-۴. عدم مانعیت درجات تعزیر

علاوه بر جامع نبودن نظام مذکور، این درجه‌بندی مانع از مجازات‌های غیر تعزیری هم نیست. توضیح آنکه مطابق قاعده «التعزیر دون الحد» مجازات تعزیری باید کمتر از مجازات حدی باشد. از این رو، مشاهده می‌شود که مجازات اعدام در درجات هشت گانه ذکر نشده است. اما در خصوص مجازات حبس ابد مشاهده می‌شود، به‌رغم اینکه در مصوبه اولیه مجلس، تنها «حبس بیش از بیست و پنج تا سی سال» حبس درجه یک در نظر گرفته شده بود، در مصوبه نهایی این عبارت به «حبس بیش از بیست و پنج سال» تغییر یافت. شاید مقصود قانونگذار آن بوده است که مجازات‌هایی که برخلاف احکام اولیه شرع در قوانین وجود دارد را داخل در

۱. برای مثال شعبه ۱۳۳ دادگاه کیفری دو مشهد به موجب دادنامه شماره ۲۵۵-۲۴۰۹۹۷۷۵۹۳۳۰۰۹۴-۱۳۹۴/۴/۲۰ با توجه به میزان مال تحصیل شده، مجازات جرم کلاهبرداری از حیث جزای نقدی درجه یک محسوب و رسیدگی به اصل اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری یک دانسته است. به نقل از روزنامه رسمی، سال هفتاد و یکم، شماره ۲۰۶۴۴، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸. لازم به ذکر است هرچند مبنا قرار دادن جزای نقدی و درجه آن در تشخیص دادگاه صالح در رأی وحدت رویه مورد موافقت قرار نگرفته است، لکن رأی مذکور درجه یک بودن جزای نقدی مذکور را نفی نکرده است و تنها در تعیین مجازات اشد، حبس را ملاک قرار داده است.

درجات تعزیر کند. نمونه این مجازات‌ها، حبس ابدی است که در ماده (۴) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری^۱ برای شخصی که مفسد فی الارض محسوب نمی‌شود آمده است. در این صورت، چنانچه قانونگذار بخواهد چنین مجازات‌هایی را که برخلاف احکام اولیه شرع وضع شده است، نظام‌مند کند، لازم بود سایر مجازات‌ها مانند اعدام‌های موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر را نیز داخل در درجات قرار می‌داد^۲ و چنانچه در مقام خاتمه دادن به این احکام ثانویه و موقت بود، باید متن اولیه مصوبه خود را حفظ می‌کرد و تصریح می‌کرد تمامی حبس‌های بیش از سی سال به حبس سی سال تبدیل می‌شوند. از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به گذشت زمان معتدبه از قوانین مذکور و اذن مجمع در اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۳، تمامی مجازات‌های اعدام و حبس ابدی که برخلاف احکام اولیه وضع شده‌اند، به یکی از مجازات‌های تعزیری مذکور در ماده (۱۹) تبدیل شوند و مصوبه اولیه مجلس در خصوص حبس‌های درجه یک احیا شود.

۱. ماده (۴): کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند بشف دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دایم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق کامل مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

۲. در خصوص اینکه اعدام در جرائم مواد مخدر چه ماهیتی دارد، سه نظر وجود دارد. گروه نخست معتقدند اعدام مجازات حدی است و مطلقاً نباید در جرائم تعزیری اجرا شود. دسته دوم معتقدند در مواردی که مجازات اعدام پیش‌بینی شده است، مجازات مذکور حد و از مصداق افساد فی الارض است. دسته سوم هم معتقدند ولی فقیه مطابق اختیاراتی که دارد می‌تواند در صورت تشخیص مصلحت برای جرائم تعزیری نیز مجازات اعدام در نظر بگیرد (برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک.: جعفری، ۱۳۸۱: ۸۷؛ حبیب‌زاده و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۷ و حسین‌آبادی، ۱۳۹۴: ۴۷).

۳. با توجه به نظریه شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر می‌دارد: «هیچیک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به‌عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد» به نظر می‌رسد هر دو مانع برای اصلاح قوانین مصوب مجمع مرتفع شده است. برای اطلاع بیشتر در خصوص استعلام از شورای نگهبان و پاسخ شورا به اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۶: ۱۶۰) رجوع کنید.

۳-۴. ابهام در تشخیص درجه برخی از جرایم

مشکل دیگری که درخصوص نظام درجه‌بندی تعزیرات وجود دارد آن است که در تشخیص درجه برخی از مصادیق تعزیر ابهاماتی وجود دارد. هرچند قانونگذار با وضع تبصره «۳» ماده (۱۹) تلاش داشته است، این ابهام را بزداید، اما ذکر عبارت زاید «و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است»^۱ موجب شده است، ابهام بیشتری ایجاد شود. توضیح آنکه همان‌طور که در صدر تبصره «۳» ذکر شده است، ممکن است جرم واحد با مجازات‌های متعددی روبه‌رو شود. در این صورت تعیین شدت جرم و درجه آن با توجه به شدیدترین مجازاتی است که پیش‌بینی شده است. اما در مورد اینکه چه مجازاتی شدیدتر است، ملاک روشنی تعیین نشده است. در این خصوص آنچه ابتدا به ذهن متبادر می‌شود آن است که هر مجازاتی که از درجه بالاتر باشد، شدیدتر محسوب می‌شود، کما اینکه برخی حقوق‌دانان هم تصریح داشته‌اند در مورد شدت مجازات‌ها ابتدا براساس درجات تعزیر باید حکم به شدت مجازات داد، بنابراین، جزای نقدی درجه ۲ شدیدتر از حبس درجه ۳ است (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ۸۷). اما ذکر عبارت زاید فوق‌الذکر این ابهام را ایجاد کرده است که ممکن است در برخی موارد قاضی نتواند مجازات شدیدتر را تشخیص دهد و در این موارد مجازات حبس ملاک خواهد بود.

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود آن است که اگر ملاک شدت مجازات‌ها درجه آنها باشد، کما اینکه فلسفه اصلی درجه‌بندی مجازات‌ها همین بوده است و چنانچه درجات مجازات‌ها تماماً در قانون قابل شناسایی است، کما اینکه هدف قانونگذار از ذکر

۱. این عبارت زاید از متن لایحه ارسالی به مجلس شورای اسلامی باقی مانده است. توضیح آنکه همان‌طور که بیان شد در ماده ۱-۱۲۲ لایحه ارسالی درجات جرائم مشخص نشده و جرائم به سه دسته جنایت یا جرائم بزرگ، جنحه یا جرائم متوسط و خلاف یا جرائم کوچک تقسیم‌بندی شده بودند. در تبصره این ماده بیان شده بود: «در صورت تعدد مجازات‌ها ملاک مجازات شدیدتر است و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای سه‌گانه این ماده مطابقت نداشته باشد، جنحه محسوب می‌شود». اما با وارد شدن نظام درجه‌بندی مجازات‌ها و تعیین تکلیف درجه تمامی مجازات‌ها دیگر عبارت مذکور زاید بود و باید حذف می‌شد. برای دسترسی به متن کامل لایحه دولت، ر.ک.: پایگاه سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

عبارت ذیل تبصره «۳» همین بوده است، دیگر ذکر عبارت زاید فوق‌الذکر چه ضرورتی داشته است. به عبارت دیگر، وقتی درجه مجازات‌ها شدت آنها را روشن و تمامی مجازات‌ها داخل در درجات هستند، دیگر نباید موردی وجود داشته باشد که مجازات شدیدتر قابل تشخیص نباشد. اما ذکر این عبارت باعث شده است، این تفسیر از قانون مطرح شود که نوع مجازات‌ها فارغ از اینکه در چه درجه‌ای قرار دارند، خود می‌تواند در تعیین شدت مجازات مؤثر باشد و قاضی برای تشخیص مجازات اشد نباید درجه مجازات‌ها را مدنظر قرار دهد. مطابق این تفسیر، درجات مجازات معیار تشخیص شدت آنها محسوب نمی‌شود و این تشخیص قاضی است که مشخص می‌کند کدام مجازات نسبت به مجازات دیگر شدیدتر است. بدین سان درجات تعزیر که فلسفه اصلی وضع آنها تعیین شدت مجازات‌هاست به طور کلی زیر سؤال می‌رود.

همان‌طور که انتظار می‌رفت در عمل میان قضاوت دادگاه‌ها در این خصوص اختلاف نظر ایجاد شد. برای مثال شعبه ۲۸ دیوان عالی کشور نوع مجازات‌ها را فارغ از آنکه در چه درجه‌ای قرار داشته باشند را ملاک قرار داده و مقرر داشته است: «برای تشخیص مجازات اشد باید مجازات‌ها از نظر نوع مورد مقایسه قرار گیرند. در جرم کلاهبرداری با هر میزان مال تحصیل شده از آن طریق، میزان حبس ملاک تشخیص درجه مجازات است»^۱ همچنین شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده‌ای با موضوع مشارکت در کلاهبرداری به میزان یک میلیارد و ده میلیون ریال با این استدلال که مجازات حبس در هر حال مجازات شدیدتر محسوب می‌گردد با تأیید صلاحیت دادگاه کیفری دو، حل اختلاف نموده است.^۲

در مقابل شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور درجه مجازات‌ها را ملاک تعیین مجازات قرار داده و مقرر داشته است: «با عنایت به میزان جزای نقدی مترتب به بزه‌های انتسابی به متهمین پرونده که بیش از سیصد و شصت میلیون ریال بوده و درجه سه و بالاتر محسوب می‌شود

۱. پرونده کلاسه ۹۴۰۹۷ شعبه بیست و هشتم دیوان عالی کشور به نقل از روزنامه رسمی، سال هفتاد و یکم، شماره ۲۰۶۴۴، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸.

۲. پرونده شماره بایگانی ۹۴۰۵۳۱ شعبه بیست و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران، به نقل از روزنامه رسمی، سال هفتاد و یکم، ش ۲۰۶۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸.

از این رو با تأیید استدلال شعبه ۱۰۵۰ دادگاه عمومی کیفری دو تهران که دادگاه کیفری یک را صالح اعلام نموده صائب و موجه تشخیص داده شده [است]^۱. همچنین شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی درجات مجازات مشخص شده و جرایمی که جزای نقدی آن بیش از ۳۶ میلیون تومان یا حبس بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال است، مجازات درجه ۳ محسوب می‌شود و در تبصره «۳» ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است درجه مجازات مشخص شده و مبلغ بالای ۳۶ میلیون تومان درجه ۳ محسوب می‌شود.^۲

این اختلاف نظر موجب تشکیل هیئت عمومی دیوان عالی کشور و صدور رأی وحدت رویه شد. نماینده دادستان کل کشور در این خصوص، با این استدلال که «مجازات حبس، سلب آزادی است. شیوه عمل قانونگذار در وضع مقررات مربوط به مجازات حبس و تدابیری که در کیفیت تعیین مجازات جایگزین اندیشیده است و ترتیب مجازات‌ها که حبس در صدر قرار می‌گیرد و حتی سخت‌گیری قانونگذار در صدور قرار بازداشت موقت مفید این معناست که مجازات حبس از بقیه مجازات‌ها شدیدتر است علی‌الخصوص که در تبصره «۳» ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی به صراحت به آن اشاره شده است؛ بنابراین، در تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده به جرایم، ملاک مجازات حبس است».

در نهایت هیئت عمومی با این استدلال که «مطابق ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، قانونگذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین در عین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیرمتجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضاً با اشکال مواجه می‌شود؛ به منظور رفع اشکال، تبصره «۳» ماده (۱۹) قانون یاد شده، در مقام بیان قاعده، مقرر می‌دارد: ... در صورت تعدد مجازات‌ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک

۱. پرونده کلاسه ۹۰۰۶۷ شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور (همان).

۲. پرونده کلاسه ۹۴۰۵۵۰ شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران (همان).

است...؛ علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به عنوان «بدیل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد، استفاده شده است و عرف و سابقه قانونگذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد» چنین نتیجه گرفت که «در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالنتیجه صلاحیت دادگاه است»^۱.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود متأسفانه در رأی دیوان عالی کشور، استدلالات متعارضی ارائه شده است. از سویی در صدر رأی مذکور اذعان می‌شود، «قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین درعین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد» و از سوی دیگر ذیل رأی بیان می‌شود قانونگذار «از جزای نقدی به عنوان «بدیل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی‌القاعده ماهیت خفیف‌تر و ملایم‌تری از حبس دارد» استفاده کرده است. در نتیجه دیوان نهایتاً بدون توجه به درجه حبس و جزای نقدی، مجازات نخست را در هر حال شدیدتر از مجازات اخیر دانسته است.

جدای از تعارض در استدلال یکی از ایرادهایی که به این رأی وارد است آنکه حتی اگر رویکردی مورد تأیید دیوان باشد که شناسایی شدت مجازات را به قاضی واگذار کرده است، دیوان عالی با وضع یک قاعده، در مقام روشن ساختن جمله نخست تبصره «۳» ماده (۱۹) است و در هر صورت حبس را از جزای نقدی شدیدتر می‌داند در حالی که ممکن است در یک مورد خاص حبس از درجه ۸ و جزای نقدی از درجه ۱ باشد. بدیهی است در چنین موردی بعید است قضات محاکم حبس را از جزای نقدی شدیدتر بدانند؛ زیرا در جایی که حبس، درجه ۸ باشد، الزاماً به جایگزین حبس تبدیل خواهد شد؛ مجازاتی که قطعاً نسبت به جزای نقدی درجه ۱ خفیف‌تر محسوب می‌شود.

همچنین، ایراد دیگری که رأی وحدت رویه دارد آن است که در اجتماع بین حبس

و مجازات‌های دیگر مانند شلاق یا مجازات‌های دیگر با جزای نقدی، قاعده‌ای برای تشخیص مجازات شدیدتر ارائه نشده است. به علاوه، از تبعات منفی این رأی آن است که جرمی که تنها مجازات آن جزای نقدی درجه ۱ باشد، جرم تعزیری درجه ۱ محسوب می‌شود، اما اگر جرم دیگری علاوه بر جزای نقدی درجه ۱، مجازات حبسی از درجه پایین‌تر مثلاً درجه ۴ داشته باشد، جرم تعزیری درجه ۴ محسوب می‌شود! در حالی که چنانچه معیار مورد نظر قانون یعنی مجازات شدیدتر با توجه به درجه مجازات‌ها، ملاک تعیین درجه جرم در نظر گرفته می‌شد، دو ایراد اخیر در عمل به وجود نمی‌آمد.^۱

از این رو پیشنهاد می‌شود علاوه بر حذف عبارت زائد مذکور از تبصره «۳» ماده (۱۹)، عبارت ابتدای تبصره هم به این نحو اصلاح شود: «در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات درجه بالاتر ملاک است».

۴-۴. روشن نبودن شدت مجازات جرایم مختلف نسبت به هم

علاوه بر ابهام در شناسایی درجه ۱ جرم تعزیری واحد، تشخیص مجازات اشد در جرایمی که مشمول قاعده تعدد مادی می‌شوند هم با مشکلاتی روبه‌روست. توضیح آنکه مطابق ماده (۱۳۴) بنا به اینکه تعداد جرایم سه مورد یا بیشتر از آن باشد، قواعد مختلفی در تعیین مجازات اعمال می‌شود. نهایتاً در هر دو مورد پس از اعمال قواعد مذکور، مجازات اشد یعنی مجازات جرمی که مجازات شدیدتر دارد، اجرا خواهد شد^۲ و در صورتی که

۱. با توجه به تعارضی که در استدلال مرقوم در رأی وحدت رویه وجود دارد، این احتمال به ذهن متبادر می‌شود که در صدور این رأی بیش از آنکه کشف مقصود قانونگذار مورد نظر بوده باشد، نوعی مصلحت‌اندیشی صورت گرفته است. توضیح آنکه با توجه به اینکه بسیاری از جرائم کلاهبرداری با جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون ریال رویه‌رو می‌شوند، چنانچه جرم تعزیری درجه ۳ و بالاتر محسوب می‌شدند قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور بودند.

۲. چنانچه این استنباط نادرست از قانون مورد نظر باشد که منظور از مجازات اشد، شدیدترین مجازات تمامی جرایم است، باید گفت در جرایمی که مجازات‌های متعدد دارد، حذف بقیه مجازات‌ها هیچ توجیهی ندارد. مضافاً اینکه قانونگذار در ماده (۱۳۴) تصریح می‌کند برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات را حکم می‌کند. بنابراین، اگر جرمی دو مجازات داشته باشد، هر دو مجازات تشدید می‌شود و هر دو مجازات اعمال می‌شود. همچنین اگر گفته شود شدیدترین مجازات تمامی جرایم همگی با هم اجرا می‌شود با ذیل ماده (۱۳۴) که بیان می‌کند اگر مجازات اشد (که طبیعتاً مربوط به یک جرم است) قابل اجرا نباشد، مجازات اشد بعدی (که آن هم مربوط به جرم دیگر است) اجرا ←

مجازات اشد قابل اعمال نباشد، مجازات اشد بعدی اعمال خواهد شد. بنابراین، برای مثال، چنانچه فردی مرتکب دو جرم شده باشد که مجازات یکی حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از پانصد میلیون یا یک میلیارد ریال باشد و مجازات جرم دیگر حبس از ۵ تا ده سال و جزای نقدی از ده تا بیست میلیون ریال باشد، مجازات جرم نخست دو سال حبس و جزای نقدی یک میلیارد ریال و مجازات جرم دوم حبس ده سال و جزای نقدی بیست میلیون ریال خواهد بود.

اما درخصوص اینکه کدام مجازات نسبت به مجازات دیگر اشد محسوب می‌شود، قانونگذار ملاکی ارائه نکرده است. در مثال مذکور مجازات حبس جرم نخست درجه ۶ و جزای نقدی آن درجه ۲ است و مجازات حبس جرم دوم درجه ۴ و جزای نقدی آن درجه ۷ است. حال این سؤال پیش می‌آید که در میان این دو جرم مجازات کدام اشد است؟ اگر همان معیار مقرر در مورد جرم واحد و مفاد رأی وحدت رویه اعمال شود، مجازات جرم دوم که حبس درجه ۴ دارد نسبت به جرم نخست، اشد محسوب می‌شود، در حالی که چنانچه مفاد رأی وحدت رویه اعمال نمی‌شد، جرم نخست که جزای نقدی آن درجه ۲ است نسبت به جرم دیگر اشد محسوب می‌شد.

جدای از اینکه رأی وحدت رویه چه تبعات منفی‌ای می‌تواند در این موارد به دنبال داشته باشد، این سؤال پابرجاست که آیا ملاک مربوط به جرم واحد در مورد جرایم متعدد هم قابل اعمال است یا خیر؟ توضیح آنکه ممکن است جرمی تنها مجازات واحد داشته باشد و جرم دیگر مجازات‌های متعدد. اگر ملاک مذکور قابل اعمال باشد، ممکن است مجازات واحد نسبت به مجازات‌های متعدد اشد محسوب شود، در حالی که جمع مجازات‌های متعدد نسبت به مجازات واحد شدیدتر به حساب آید. برای مثال چنانچه جرمی تنها مجازات حبس از یک تا سه سال (درجه ۵) داشته باشد و جرم دیگری

→ خواهد شد. بنابراین همانطور که برخی از حقوقدانان هم تصریح کرده‌اند، در جرائم تعزیری که بیش از سه مورد نباشند، برای هر یک از جرائم حداکثر مجازات مقرر مورد حکم قرار می‌گیرد و فقط مجازات شدیدترین آنها اجرا می‌شود و در جرایم ارتكابی بیش از سه فقره دادگاه مجازات هر یک از جرائم را به میزان بیش از حداکثر تا جایی که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند تعیین می‌کند و فقط مجازات اشد قابل اجراست و مجازات بقیه جرایم بدون اجرا می‌ماند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

مجازات‌های حبس از شش ماه تا دو سال (درجه ۶)، جزای نقدی از بیست تا هشتاد میلیون ریال (درجه ۶)، انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا پنج سال (درجه ۶)، شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق (درجه ۶) و انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها (درجه ۶) آیا می‌توان گفت جرم نخست، چون از درجه ۵ محسوب می‌شود و جرم دوم از درجه ۶، در تعدد این دو جرم، تنها مجازات حبس سه سال اعمال خواهد شد.

با توجه به اینکه معیار ارائه شده در جرم واحد، نمی‌تواند معیار مناسبی برای جرایم متعدد در نظر گرفته شود، در این خصوص یا باید قانونگذار ملاک تعیین مجازات اشد را بیان کند یا اینکه تعیین مجازات اشد را به قاضی واگذار کند. بدیهی است راه‌حل دوم موجب تشتت آرا خواهد بود و در نتیجه باید به صدور رأی وحدت رویه شود. با توجه به اینکه ممکن است رأی وحدت رویه، همانند رأی مورد نقد، از مقصود قانونگذار فاصله بگیرد، مناسب آن است که خود قانونگذار اقدام به رفع این مشکل کند.

راه‌حل پیشنهادی می‌تواند آن باشد که قانونگذار برای هر یک از درجات تعزیر، عددی را به‌عنوان شدت مجازات در نظر بگیرد و چنانچه جرمی چند مجازات داشته باشد، اعداد مربوط به مجازات‌ها با هم جمع شود و در تعیین شدت یک جرم نسبت به جرم دیگر، این اعداد ملاک باشد. برای مثال اگر برای مجازات‌های درجه ۱، عدد ۸ و برای سایر درجات به ترتیب اعداد کمتر در نظر گرفته شود، عدد شدت جرمی که دارای دو مجازات درجه ۱ دارد، ۱۶ و عدد شدت جرمی که یک مجازات درجه ۱ و یک مجازات درجه ۲ دارد، ۱۵ خواهد شد و به‌طبع جرم نخست از جرم دوم شدیدتر محسوب خواهد شد.

البته ممکن است این راه‌حل با این انتقاد روبه‌رو شود که مجازات‌های داخل در یک درجه از نظر شدت با هم متوازن نیستند. این انتقاد را باید این‌گونه پاسخ داد که هر چند در عمل این ایراد به قانونگذار وارد است و باید مجازات‌های داخل در یک درجه را با توجه به اهمیت آنها درجه‌بندی کند، لکن همین درجه‌بندی ملاک اعمال سایر قواعد است. لذا همان‌طور که یک جرم با حبس درجه ۷ یا ۸ می‌تواند مشمول معافیت از مجازات قرار گیرد یک جرم با جزای نقدی با همین درجات هم مشمول همین قاعده است. یا اگر یک جرم با جزای نقدی درجه ۱ تا ۳ در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است، جرم دارای حبس

درجه ۱ هم همین حکم را دارد. از این رو، قانونگذار باید عدم توازن را که میان مجازات‌های داخل در یک درجه است، برطرف سازد.

۴-۵. عدم توازن میان مجازات‌های داخل در درجات واحد

جدای از اینکه سقف‌های پیش‌بینی شده برای هر یک از درجات با هم متوازن نیستند و برای مثال فاصله حداقل و حداکثر حبس درجات ۷ و ۸ سه ماه است و این فاصله در حبس درجه ۲ ده سال است و این باعث می‌شود با اعمال قواعدی چون تخفیف به یک باره مجازات‌ها با شدت و میزان نامتوازی کاسته شود، مجازات‌های داخل در یک درجه نیز با یکدیگر متوازن نیستند. نمونه این عدم توازن را می‌توان در مقایسه میان حبس و جزای نقدی داخل در یک درجه و مقایسه آن با مقررات ماده (۲۷) ملاحظه کرد. توضیح آنکه مطابق ماده اخیر، به ازای هر روز بازداشت موقت یک روز از مقدار حبس، سیصد هزار ریال از جزای نقدی و سه ضربه از کیفر شلاق کاسته می‌شود (توجهی، ۱۳۹۴: ۳۶) در حالی که برای مثال در تعزیرات درجه ۱۸ اگر حبس ملاک مقایسه باشد، هر روز حبس معادل یکصد و یازده هزار ریال و یازده صدم یک ضربه شلاق است. همچنین عدم تناسب میان مصادره کل اموال و حبس بیش از ۲۵ سال باعث شده است برخی از حقوقدانان اعتقاد داشته باشند، این نوع دسته‌بندی مجازات‌ها را تا حدودی دل‌خواهی و اعتباری بدانند؛ اعتباری که منطق روشنی آن را حمایت نمی‌کند (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

از این رو، لازم است قانونگذار با تعیین ملاک واحد، بین مجازات‌های داخل در درجه واحد توازن را ایجاد کند، که اولاً از لحاظ اهمیت توازنی عرفی میان آنها وجود داشته باشد و ثانیاً در صورت اعمال قواعد دیگر، چون احتساب بازداشت در مجازات مورد حکم یا تبدیل حبس به جایگزین‌های حبس، ناهماهنگی ایجاد نشود.

۴-۶. عدم کاربرد یا استفاده نادرست از نظام درجه‌بندی تعزیرات در سایر قوانین

اشکال دیگری که در خصوص نظام درجه‌بندی تعزیرات مشاهده می‌شود آن است که این نظام بعضاً در قوانین مؤخرالتصویب نسبت به قانون مجازات اسلامی، به کار گرفته نشده

است. برای مثال در ماده (۲) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ به تصویب رسیده است، مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده ذکر شده است، در حالی که قانونگذار می‌توانست از عبارت حبس درجه ۵ استفاده کند.^۱ جالب آن است که در ماده (۳) همین قانون از «مجازات تعزیری درجه هفت» یاد شده است.^۲ اما ایرادی که در این نوع به کارگیری درجات وجود دارد آن است که نوع مجازات مورد تصریح قرار نگرفته است. این شیوه ارجاع به درجه‌بندی مجازات که در ماده (۲۷۴) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۴/۳۱^۳ نیز سابقه دارد، با این ابهام روبه‌روست که قاضی از میان مجازات‌های داخل در این درجه کدام یا کدامین مجازات‌ها را باید اعمال کند. آیا قاضی می‌تواند هر کدام از این مجازات‌ها را انتخاب کند؟ درخصوص ماده (۲۷۴) مذکور که قانون از کلمه جمع «مجازات‌ها» استفاده کرده است، آیا باید تمامی مجازات‌های مذکور در آن درجه مورد حکم قرار گیرد یا انتخاب دو مورد از تمامی موارد کفایت می‌کند یا اعمال یک مورد از مجازات‌های مذکور هم مجاز است؟^۴

از این رو به نظر می‌رسد با اینکه به کارگیری درجات تعزیر در قوانین لازم به نظر می‌رسد، لکن تعیین نوع مجازات یا مجازات‌های مورد نظر قانونگذار ضروری است. البته لازم نیست مجازات‌های انتخاب شده همگی از یک درجه باشند، لکن با توجه به اهمیتی که جرایم دارند مناسب است تفاوت میان درجات مجازات یک جرم زیاد نباشد.

۱. از جمله قوانین کیفری دیگری که در آن از درجات تعزیر استفاده نشده است، می‌توان به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (اصلاحی ۹۴/۷/۲۱) اشاره کرد.

۲. «ماده (۳): کلیه اشخاص مطلع از جرائم موضوع این قانون موظف‌اند مراتب را در اسرع وقت به مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضائی ذی‌صلاح اعلام کنند، در غیر این صورت به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شوند».

۳. «ماده (۲۷۴): موارد زیر جرم مالیاتی محسوب می‌شود و مرتکب یا مرتکبان حسب مورد، به مجازات‌های درجه شش محکوم می‌گردند: ...».

۴. لازم به ذکر است تبصره ماده (۶۵) مکرر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۵/۳/۳) به‌طور صریح انتخاب «یکی از مجازات‌های تعزیری درجه شش» را در اختیار مقام قضایی قرار داده است.

«ماده (۶۵) مکرر: در فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات، انجام امور زیر ممنوع است و مرتکبان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند: ...».

تبصره: متخلفان از مفاد این ماده به یکی از مجازات‌های درجه شش محکوم می‌شوند».

ایراد دیگری که در استفاده از نظام درجه‌بندی تعزیرات وجود دارد آن است که قانونگذار بعضاً به کاربرد این درجات در قواعد عمومی توجه نداشته است. برای مثال در ماده (۶۱) قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه که در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ به تصویب رسیده مقرر شده است «شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می‌باشد». این در حالی است که مطابق بندهای سه‌گانه ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی نه «حبس تعزیری درجه شش» و نه «جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی» که مجازات جرم مذکور در ماده (۶۱) است، جزء مجازات‌هایی نیست که شروع به جرم موجب آنها قابل مجازات باشد. از این رو، لازم است قانونگذار در ارجاع به درجات مذکور در قانون مجازات اسلامی و قواعد حاکم بر این درجات دقت کافی را اعمال کند.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

نظام درجه‌بندی تعزیرات آثار مثبتی در نظام تقنینی کیفری ایران به همراه داشته است و قانونگذار می‌تواند با مبنا قرار دادن این نظام، اصل تناسب میان جرایم و مجازات‌ها را بهتر اعمال و پاسخ‌های کیفری را بیشتر هماهنگ و سیاست فردی کردن مجازات‌ها را مناسب‌تر اعمال کند. از این رو، این نوآوری قابل تحسین است. لکن در پیاده‌سازی این نظام ایرادهایی وجود دارد. این ایرادها عبارت‌اند از جامع و مانع نبودن درجات تعزیر، ابهام در تشخیص درجه برخی از جرایم، غیرمنطقی و خلاف قانون بودن ملاک تعیین تعزیر در رأی وحدت رویه ۷۴۴، روشن نبودن ملاک تعیین مجازات اشد میان جرایم متعدد دارای مجازات‌های متعدد، نامتوازن بودن تعزیرات داخل در یک درجه و عدم کاربرد یا استفاده نادرست از نظام درجه‌بندی تعزیرات در قوانین دیگر.

با توجه به ایرادهای فوق لازم است راهکارهای زیر اتخاذ شود:

۱. تمامی مصادیق تعزیر در ماده (۱۹) احصا شود و مواردی که تعزیر محسوب نمی‌شوند از شمول ماده (۱۹) خارج شوند.

۲. با اینکه در رویه قضایی رویکرد صحیحی اتخاذ شده، مناسب است قانونگذار برخلاف رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ تصریح کند، جزای نقدی نسبی، داخل در درجات هشتگانه است.

۳. با توجه به ابهامی که از عبارت زاید مذکور در تبصره «۳» ماده (۱۹) ایجاد شده است، قانونگذار باید این عبارت را حذف کند و با تصریح به اینکه ملاک تعیین شدت مجازات درجه آن است، موجب نسخ رأی وحدت رویه ۷۴۴ شود.

۴. در جرایم متعدد لازم است با ذکر یک فرمول روشن یا ملاک تعیین مجازات اشد میان چند جرم تبیین شود یا معیار دیگری چون انتخاب شدیدترین مجازات از هریک از جرایم ملاک عمل قرار گیرد.

۵. قانونگذار باید با در نظر گرفتن معیاری واحد و متوازن، هم مجازات‌های درجات مختلف و هم مجازات‌های داخل در یک درجه را اصلاح کند و تمامی مقررات دیگر مانند احتساب بازداشت از مجازات اصلی و تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های جایگزین را هماهنگ کند.

۶. در قوانین جدید، جز در مواردی که نظام درجه‌بندی مقصود قانونگذار را تأمین نمی‌کند، به جای استفاده از میزان مجازات، درجه مجازات‌ها ذکر شود و از ارجاعات نادرست به درجات تعزیر خودداری شود.

منابع و مآخذ

۱. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۶). مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران، ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات میزان.
۳. الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۳). درآمدی بر حقوق جزای عمومی؛ واکنش در برابر جرم، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۴. برهانی، محسن و مریم نادری فرد (۱۳۹۴). «تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم فقهی و مصادیق قانونی»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، ش ۱۰.
۵. بوهلاندر، مایکل (۱۳۹۴). قانون مجازات آلمان، ترجمه اصلی عباسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۶. _____ (۱۳۹۰). مبانی حقوق کیفری آلمان، ترجمه اصلی عباسی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۷. پایگاه سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/720530.
۸. توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، چاپ دوم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۹. جعفری، فریدون (۱۳۸۱). «تحلیل مجازات اعدام در جرایم مستوجب تعزیر و بازدارنده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر و عادل علی‌پور (۱۳۹۲). «منع مجازات اعدام تعزیری در فقه امامیه»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۹.
۱۱. حسین‌آبادی، باقر (۱۳۹۴). بررسی ماهیت مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر، فصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر، سال هفتم، ش ۲۵-۲۴.
۱۲. حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۹). «مجازات بازدارنده» اشکالات نظری و مشکلات عملی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۲.
۱۳. حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی (بررسی فقهی - حقوقی واکنش علیه جرم)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. خالقی، علی (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، نشر شهر دانش.
۱۵. روزنامه رسمی، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸، سال هفتادویکم، ش ۲۰۶۴۴.

۱۶. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۱۷. مصطفی زاده، فهیم (۱۳۹۲). *قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان*، چاپ اول، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۸. معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، مرکز مطالعات توسعه قضایی (۱۳۸۶). *قانون مجازات فرانسه*، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسبیل.

19. Bohlander, Michael, (2009) *Principles of German Criminal Law*. Oxford: Hart Pub.
20. Scheb, John M. and John M. Scheb (2011). *Criminal Law and Procedure*, Belmont, CA: Wadsworth Cengage Learning.
21. https://www.gesetze-im-internet.de/englisch_stgb.
22. <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/18>.
23. <https://www.legifrance.gouv.fr/affichCode.do?cidTexte=LEGITEXT000006070719&dateTexte=20060701>.
24. https://www.legifrance.gouv.fr/content/download/1957/13715/version/4/file/Code_33.pdf.
25. <http://www.nolo.com/legal-encyclopedia/crimes-felonies-misdemeanors-infractions-classification-33814.html>.